

# انتحار ضد انقلاب در خوزستان جواب نداد

صفحه ۱۶



**خواننده‌ها  
به صحنه بازگشتند**

۲۷۰ خواننده و گروه موسیقی در بهار ۱۴۰۲ اجرای کنسرت داشته‌اند

## فرهیختگان

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران  
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه  
۵۵۵۵ تومان

فصل جدید راید و مضمون:  
روایت سال‌های جنگ

شماره مسلسل ۳۶۲۴  
شماره ۲۴ خرداد ۱۴۰۲  
۲۴ دقیقه ۱۳۳۴  
۱۳ ژوئن ۲۰۲۳  
شماره ۳۸۸۶

www.fdn.ir | Tue | 13 Jun
3886 | 16 Pages



# رفیق ۲۰ میلیاردی

تجارت ایران با ونزوئلا از ۸۵ هزار دلار در سال ۹۴ به بیش از ۳ میلیارد دلار رسیده است، دولت می‌خواهد این عدد را به ۲۰ میلیارد دلار برساند

گزارش «فرهیختگان» از فرآیندی که آلمانی‌ها برای توسعه فناوری کشور در پیش گرفته‌اند

## سرمایه‌گذاری ۲۰۰ میلیون یورویی روی انقلاب صنعتی چهارم

۵،۶»

دومین رویداد مشق امید دانشگاه آزاد به روزهای حساس خود رسید

## ماراتن تبدیل نقد دانشجویی به راهکار عملیاتی

۶»

بارشد ۱۶۵ درصدی نسبت به ۱۴۰۰

## دانش بنیان‌ها ۱۷۷ همت در یک سال وام گرفتند

۸»

« یادداشت - ۱ »

## درسی که تنش‌های آبی به ماداد

### بارش سیل‌آسا و ریزش گسترده مسیر رودخانه کرج را مسدود کرد

«علت مساله ایجاد شده برای مناطقی از تهران، خارج شدن منابع آب سد امیرکبیر از مدار به دلیل مسدود شدن رودخانه کرج بوده است. بنابر اطلاعات دریافتی از ایستگاه‌های آب‌وهواشناسی شرکت آب منطقه‌ای تهران مستقر در حوضه آبریز سد امیرکبیر، ساعت ۱۷ تا ۱۹ عصر پنجشنبه ۱۸ خرداد، با فعالیت سامانه بارشی ناشی از رشد ابرهای همرفتی بارندگی رگباری قابل توجهی حدود ۳۰ میلی‌متر در ایستگاه نساء و حدود ۲۰ میلی‌متر در محل ایستگاه سیرا در منطقه سد کرج ثبت شد. شدت لحظه‌ای بارندگی‌های رگباری در ایستگاه‌های یادشده به حدود ۴۷ میلی‌متر در ساعت هم رسیده بود و همین مساله سبب شد بخش اعظمی از کوه و دیواره مجاور رودخانه سد کرج بر اثر پدیده زمین لغزش در ارتفاعات بالا دست جناح راست سد به داخل رودخانه ریزش کند. براساس بررسی‌های میدانی منطقه ریزش، حجم قابل توجهی از رسوبات و آبریزه‌های سنگلاخ- به ابعاد هر قطعه معادل یک خودروی سواری- زمینه انسداد رودخانه را ایجاد کرد. بررسی دقیق‌تر منطقه مشخص کرد که حدود یک میلیون مترمکعب از ارتفاعات مشرف به کیلومتر ۲۴ جاده کرج- چالوس حد فاصل تونل ۲ الف و ۲ ب وارد رودخانه کرج در پایین دست سد، حدفاصل نیروگاه تا سد تنظیمی شده است. در اثر این ریزش، توده عظیمی از رسوبات و آبریزه‌ای و سنگ به ارتفاع حداکثر ۳۰ متر مسیر رودخانه کرج را به طور کامل مسدود و موجب قطع کامل مسیر انتقال آب از سد اصلی به سد تنظیمی شد که به تبع آن آبرسانی جهت تامین آب شرب کلانشهرهای تهران متوقف شد.»

«چالش باتلاق برای رفع انسداد رودخانه سد کرج وی ادامه داد: «براساس اطلاعات ثبت شده از تیم عملیاتی حاضر در صحنه، رفع مسدودیت رودخانه با برداشت سنگلاخ‌های گسترده با یک چالش جدی مواجه شد. بر این اساس، گل‌ولای ایجاد شده از این زمین لغزش و همچنین آب تازه به همدان رسیده بودم، اولین کار پیگیری صحت و سقم شایعات بود؛ اینکه بعد از قطعی و کمبود آب در همدان فلان وسیله ذخیره آب، مثل دبه و تانکر و... قیمت‌شان چندبرابر شده و آب معدنی و نوشابه و انواع و اقسام نوشیدنی‌ها هم ارزشمندتر از همیشه شده‌اند و پول زیادی برای خریدشان از کف می‌رفت. لایه‌های همین گشت و گذار آنتی‌شایعاتی که داشتم، مساله‌ای سوالم شده بود و پیگیری جویايش بود؛ اینکه چرا به محض اتمام آب سد، آب شهر قطع شد و حتی چند روزی ذخیره آبی در شهر وجود نداشت تا اینکه همان موقع‌ها یکی از مطلعان به من گفت انتشار خبر خشکی سد و احتمال وقوع کم‌آبی در همدان باعث شد مردم بیش از همیشه مصرف کنند و بعد مقادیر زیادی آب را هر جور که می‌توانستند ذخیره کنند! این اتفاق ذخایر منبع‌های آبی را که برای چنین روزی تعبیه شده بود هم خالی کرد. این تجربه در ذهنم بود تا یکی، دو روز پیش که ماجرای افت فشار آب در تهران درگیرم کرد و پیگیر علت وقوع آن شدم. به‌رحال در سالی که -حد اقل به چشم- بارندگی‌های خوبی داشتیم و در همین ایام همچنان آسمان رحمت گسترانی می‌کرد، وقوع کم‌آبی در ابتدای مسیر ۱۴۰۲ عجیب و نگران کننده بود. هرکسی چیزی می‌گفت و مقامات رسمی هم از اعلام خبر رسمی امتناع می‌کردند. شماره‌های اضطراری پاسخگوی مردم و کسانی نبودند که خصوصاً در طبقات بالای برج‌ها در مناطق غربی تهران درگیر و دار آب به این در و آن در می‌زدند. بالاخره به هر شکل و سیاقی بود، کمی زودتر از ماجرای که روز گذشته در رسانه‌ها منتشر شد، مطلع شدم. منتها آن ترس از اطلاع‌رسانی که از ماجرای همدان در ذهنم بود و ولوله و ترسی که می‌توانست به جان شهروندان بنشیند و این بحران را به یک فاجعه تبدیل کند، مانع از انتشار شد تا امروز. روایتی که در ادامه آمده، از زبان یکی از مطلعان ماجراست که با هم می‌خوانیم.

## ماجرای ایزده و خطر نرمالیزه شدن خشونت

ولی این دیدگاه فارغ از آنکه به افکار دهه ۶۰ سازمان منافقین شباهت زیادی دارد بیشتر از سر ناآگاهی و نوعی وهم است؛ چرا که اگر قرار باشد مبارزه با چنین افکاری به پیروزی برسد آن مبارزه در همان لحظه هم نوعی عمل ظالمانه است؛ زیرا به شهادت رساندن نیروهایی که با کمترین درآمد حافظ امنیت کشور هستند اصلاً مبارزه مثبتی نیست و بسیار ناجوانمردانه و خشن است و تنها نکته‌ای که در حافظه جمعی از خود به همراه دارد، ظلم است. در چنین مواقعی یکی از اتفاقاتی که به سرعت رقم زده می‌شود یک طرفه روایت کردن است و عجیب‌تر اینکه در برخی از موارد یک طرف به‌طور عمدی سانسور می‌کند. این سانسور به‌حالتی گفته می‌شود که اسم آن را می‌توان نرمالیزه شدن خشونت کور نام نهاد که در پیوندی عمیق با همان تئوریزه کردن خشونت است. اما در پس این نرمالیزه کردن باید دید چه اتفاقی ممکن است شکل بگیرد؟ نرمالیزه شدن این وقایع که ارزش خبری آن مثل اخبار صفحه حوادث می‌شود خطر وسیعی برای امنیت ملی دارد. در چنین موقعیت‌هایی ما با ذهن‌هایی روبه‌رو می‌شویم که معتقدند باید هر چه از طرف حکومت اعلام شود را بایکوت کنند. شاید عده‌ای بتوانند به جهت روان‌شناختی با برخی از این صحنه‌ها به خاطر ضعف‌های حکمرانی هم‌راستایی کنند، اما در حقیقت این صحنه فقط یک تفکر روان‌شناختی نیست که بخواهیم آن را فروکاست کنیم بلکه کمک می‌کند خشونت سخت را به نوعی عادی جلوه دهد. این تفکر روان‌شناختی که چنین فروکاستی انجام داده در حال نرمالیزه کردن خشم است، اما در پس این نرمالیزه شدن حمله به یکپارچگی ایران هم می‌تواند باشد. به این خاطر که عادی شدن این امر قطعاً کشور را به سمت بحران‌های وسیعی سوق می‌دهد که کنترل آن بسیار هزینه‌زا است. به‌نظر می‌رسد آن کس که دل در گروی وطن دارد به‌جای آنکه فقط یک روایت را ضریب دهد یا سیاست سانسور را در مقابل روایت‌های دیگر پیش بگیرد کافی است متوجه شود حمایت از نرمالیزه شدن خشم و قتل نوعی کمک به نرمالیزه شدن تجزیه و خرابی وطن است.

عصر روشنگری در هنگام شکل‌گیری از پیش‌فرض‌هایی مانند ارزش‌های متضاد از طریق استدلال و گفت‌وگوی عقلانی همساز برخوردار بود. اما درحقیقت ظهور جنگ‌های جهانی اول و دوم و جنگ‌های دیگر از آن قبیل نشان داد که این پیش‌فرض‌ها اصلاً درست و دقیق نبوده است. غرض از این مثال در وضعیت فعلی کشور ما این است که در واقع بخشی از جامعه یا بدنه از اهالی دانشگاهی کشور ما هم در حال حاضر تصویری که در حوادثی مثل شهادت پلیس در شهر ایزده هم چنین پیش‌فرض‌هایی از امنیت ملی وجود دارد. به تعبیری ما در حال حاضر صرفاً با شهادت یک فرد طرف نیستیم. در مقام اول پدر یک خانواده پنج‌نفره جان خود را از دست داده که به نوعی ضربه‌ای بزرگ به خانواده و امنیت روانی آنها است و در مقام انسانیت هیچ فرقی بین این خانواده با خانواده‌های مثل کیان پیرفلک نیست؛ اما در مقام دوم شاهد هستیم همین طیف دقت نمی‌کنند که شهادت یک پلیس در واقع ذبح امنیت و در مرحله بعد طبیعی جلوه کردن خشونت آن هم در افراطی‌ترین مدل آن است. حال این مساله را اگر صرفاً از طریق چند خط خبری دنبال کنیم در نهایت با شهادت یک پلیس روبه‌رو می‌شویم که ممکن است در لابه‌لای اخبار وسیع گم شود، اما این پلیس نماینده یک خانواده و یک منطق امنیتی است که اگر به این پیش‌فرض‌ها توجه شود شاهد نوعی تئوریزه شدن خشونت خواهیم بود که اولین گام برای شروع نرمالیزه شدن است. آنچه به نام خشونت در حال تئوریزه شدن است این است که مبارزه مدنی یا به تعبیر بهتر مبارزه منفی در دل ساختار خود خشونت را داراست و اگر هر چند وقت فردی از نیروی انتظامی شهید می‌شود به نوعی جبر مبارزه است. در واقع ما شاهد یک جبر ایدئولوژیک هستیم که دیگر مبارزه را نه آگاهی و نه منطق بلکه صرف خشم کور تصور می‌کند و هر بار هم دست به خشونتی سخت می‌زند و با طرح این مساله که نوعی مقاومت است سعی دارد خشونت را تئوریزه کند،

انا لله و انا الیه راجعون

همکار گرامی جناب آقای مرتضی عزیززاده

درگذشت پدر گرامی‌تان را تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم رحمت واسعه الهی و برای جنابعالی صبر و اجر مسالت می‌نماییم.

خبرگزاری آنا


**FARHIKHTEGAN** صدای نخبگان، نگاه جوانان

**WWW.FDN.IR** روزنامه فرهیختگان

farhikhteganonline

